



فلسفه منطق از نگاه سوزان هاک

سوزان هاک منطق‌دان معروف معاصر معتقد است که یکی از اهداف اساسی منطق، تشخیص استدلال‌های معتبر از استدلال‌های نامعتبر است ...

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: سوزان هاک منطق‌دان معروف معاصر معتقد است که یکی از اهداف اساسی منطق، تشخیص استدلال‌های معتبر از استدلال‌های نامعتبر است و هدف از نظام‌های صوری منطقی مانند منطق جمله‌ها و منطق محمولات وضع قوانین دقیق اعتبار با همان تعیین معیارهای صوری محض آن است. سوزان هاک فیلسوف تحلیلی، استاد فلسفه و حقوق دانشگاه میامی و از منطق‌دانان معروف است. آثار او در حوزه منطق، فلسفه زبان، معرفت‌شناسی و متافیزیک است. کتاب «#171؛ فلسفه منطق» از سوزان هاک با ترجمه محمدعلی حجتی به فارسی ترجمه شده است.

مباحث و موضوعات مطرح شده توسط هاک در علم منطق و حقوق، تأثیرات قابل توجهی در این حوزه‌ها بر جای گذاشته است. او در پراگماتیسم پیرو چارلز سندرز پیرس است.

فلسفه منطق

فلسفه منطق به طور کلی شامل مباحثی فلسفی درباره موضوعاتی است که در علم منطق از آنها بحث می‌شود.

برای مثال اگر در منطق اعتبار یک استدلال را بررسی می‌کنیم، در فلسفه منطق این بحث مطرح می‌شود که چه چیزی را استدلال می‌گوییم و اساساً معتبر بودن یک استدلال به چه معناست.

و یا اگر مثلاً در منطق از صدق یک قضیه صحبت می‌کنیم، در فلسفه منطق از این بحث می‌شود که اساساً صدق چیست و در چه صورت می‌توان گفت یک جمله (قضیه) صادق است؛ و آیا آنچه صادق است ساختار قضیه است یا محتوای آن؛ و...

در واقع همان‌طور که وظیفه فلسفه علم و فلسفه ریاضیات، بررسی مسائل فلسفی نشأت گرفته از علم و ریاضیات است، هدف فلسفه منطق نیز بررسی مسائل ناشی از علم منطق است.

به این ترتیب در فلسفه منطق، پرسش از بنیاد‌های علم منطق مطرح می‌شود. بعضی از مسائل فلسفه منطق؛ یعنی مسائل نوعاً فلسفی ناشی از منطق، عبارتند از:

منطق چیست؟ آیا هر نظام عقلی، نظام منطقی محسوب می‌شود؟

اعتبار یک استدلال به چه معناست؟ مراد از استنتاج یک گزاره (قضیه) از گزاره‌های دیگر چیست؟ صدق منطقی یک گزاره چه معنا می‌دهد؟

آیا نظام جهان، نظامی منطقی است و بر اساس مبانی منطقی به وجود آمده است؟ یا این که منطق فقط امری ذهنی است و قابل اطلاق به جهان خارج نیست؟ و غیره... .

هر چند این مباحث؛ یعنی مباحث فلسفه منطق، به نحوی مورد توجه فلاسفه و منطق‌دانان از دوران قدیم (چه در فلسفه غرب و چه در فلسفه اسلامی) بوده است، اما از اواخر قرن نوزدهم به بعد با مطرح شدن منطق نمادی (منطق جدید یا منطق ریاضی) در غرب و نیز توسعه‌ای که در عرصه‌های مختلف علمی پدید آمد، بحث‌های فلسفه منطق نیز رواج بیشتری یافت و به یکی از زنده‌ترین موضوعاتی بدل گشت که تاکنون در دستور کار منطق‌دانان و فلاسفه قرار گرفته است.

فلسفه منطق مانند هر فلسفه مضاف، از دانش‌های نوپایی است که خاستگاه آن به عنوان علمی مستقل، از مغرب زمین است. هر چند فرهیختگان ما که با علوم گوناگون انسانی سروکار دارند، عموماً تا حدودی با فلسفه‌های مضاف همچون فلسفه علم، فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ، و فلسفه‌های دیگر از این دست آشنایی دارند.

اما درباره فلسفه منطق می‌توان گفت کسانی که با منطق سروکار دارند هنوز تصور درستی از فلسفه منطق نیافته‌اند. فلسفه منطق در

غرب فقط به صورت منطق استنتاج در منطق جدید ناظر است، نه به ماده استنتاج؛

چارلز پیرس از مشاهیر منطقیون جدید می گوید قریب صد تعریف از منطق در دست است. لکن مساله محوری در تمامی این تعاریف طبقه بندی استدلال ها و شناسایی استدلال های درست از نادرست است.

با توجه به نقش محوری استدلال در منطق، این علم را به این صورت تعریف کرده اند: «منطق علم مطالعه استدلال ها، استنتاج ها و تشخیص درستی و نادرستی آنهاست.« منطق جدید که به نام های «منطق نمادی«، منطق ریاضی و «منطق صوری« نیز مشهور است با تکیه بر روش های ریاضی و شیوه های نمادی و صوری به مطالعه نظام های استنتاجی مختلف می پردازد.

استفاده از نمادها، روش های ریاضی و صوری در منطق جدید سبب می شود که در مسیر استدلال خود دچار مغالطه (خصوصا مغالطه لفظی) و لغزش نگردیم. همچنین این امکان را فراهم می آورد که، فرآیند استدلال سرعت یابد. ثالثا امکان ورود به حوزه هایی را فراهم می آورد که با ابزارهای منطق سنتی ورود به آنها ممکن نیست.

سوزان هاک در تعریف منطق بیان می دارد که یکی از اهداف اساسی منطق، تشخیص استدلال های معتبر از استدلال های نامعتبر است و هدف از نظام های صوری منطقی مانند منطق جمله ها و منطق محمولات وضع قوانین دقیق اعتبار با همان تعیین معیارهای صوری محض آن است.